

## نقش داروساز در زنجیره درمان



● بیمار نیز باید از تصمیماتی که در مورد دارو درمانی وی اتخاذ شده آگاه بوده و حق اظهار نظر داشته باشد. فلذا روند تصمیم‌گیری در مورد درمان باید تا مرز مشترک بین بیمار و داروساز گسترش یابد.

● داروساز ابتدا باید از اهداف و نتایج مورد نظر از درمان در هر فرد اطلاع حاصل نموده و نهایتاً برای نیل به اهداف درمانی، داروساز باید در مسئولیت تجویز دارو توسط پزشک سهیم باشد.

صورت پذیرفته است. مقاله حاضر ترجمه مطلبی است به قلم Ron Lambson از دانشکده داروسازی فلوریدای آمریکا و عضو شبکه بهداشتی - درمانی این ایالت، که طی آن به بررسی نقش داروساز در روند فعلی درمان در آمریکا پرداخته است.

### شرح:

داروسازان نیز همانند سایر متخصصینی که در سیستم ارائه خدمات بهداشتی مشغول به خدمت می‌باشند، باید در کنار پزشک در برنامه‌های کنترل و تجویز دارو و نتایج حاصل از دارو درمانی، نقش و مسئولیت

### مقدمه:

بدون شک داروساز در کنار پزشک، بیمار و سایر شاغلین امور پزشکی زنجیره اصلی درمان در هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد. تثبیت ارزشمندی و کارایی داروسازان در روند درمان در گرو شناخت صحیح وظایف و احساس مسئولیت داروسازان در قبال وظایفی است که برعهده دارند. طی دهه‌های گذشته تغییرات عمده‌ای در چگونگی مسئولیت‌ها و وظایف داروسازان در کشورهای پیشرفته پدیدار گشته و اقدامات متعددی به منظور تثبیت هرچه بیشتر نقش داروساز به عنوان مشاور دارویی پزشک و بیمار

بیشتری بپذیرند. اهداف کلی دارو درمانی عبارت از: علاج یک بیماری، برطرف ساختن و یا کاهش علائم بیماری، متوقف و یا کند نمودن روند پیشرفت بیماری و پیشگیری از بروز یک بیماری یا علائم آن می‌باشد. بوسیله جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها و نیز مشخص شدن معیارهای یک سیستم بهداشتی و تطبیق آن توسط جامعه پزشکی هر کشور با شرایط خاص آن کشور می‌توان به نتایج بهتر و قطعی‌تری در زمینه دارو درمانی دست یافت. لذا آگاهی کادر پزشکی از استانداردهای پزشکی مطلوب و موردنظر سبب می‌شود که پزشک بتواند آنها را در مورد هر کدام از بیمارانش به کار بندد. از آنجائیکه دارو درمانی بخش مهمی از یک سیستم بهداشتی و پزشکی می‌باشد، لذا نتایج حاصله از درمان انعکاسی از اهداف پزشکان از تجویز دارو برای بیماران خواهد بود. در زمینه پیگیری، کنترل و ارائه توصیه‌های لازم به بیمار به منظور حصول نتایج مطلوب و مشاوره با پزشک،

---

### ● توسعه سیستم‌های جدید ارائه خدمات پزشکی سبب می‌شود که نقش داروساز به عنوان مشاور بهداشتی برای بیمار و مشاور دارویی برای پزشک بیش از پیش آشکار گردد.

---

داروساز ابتدا باید از اهداف و نتایج موردنظر از درمان در هر فرد اطلاع حاصل نموده و نهایتاً برای نیل به اهداف درمانی، داروساز باید در مسئولیت تجویز دارو توسط پزشک سهم باشد. علاوه بر این بیمار خود نیز باید از تصمیماتی که در مورد دارو درمانی وی اتخاذ شده آگاه بوده و حق اظهارنظر داشته باشد. بنابراین روند تصمیم‌گیری در مورد درمان باید تا مرز مشترک

بین بیمار و داروساز گسترش یابد. برنامه‌های پی‌ریزی شده جهت نیل به اهداف درمانی متمرکز بر روی بیمار، داروساز را برای شرکت در فعالیتهایی با ماهیت درمانی بیشتر از جمله آموزش بیمار و ارائه توصیه‌های بهداشتی، تشویق و ملزم می‌نماید. بواسطه چنین ارتباطی است که داروساز به عنوان منبعی با ارزش برای ارائه اطلاعات در زمینه دارو درمانی شناخته شده و با کسب تجربیات بیشتر، در مورد ارائه توصیه و مشاوره مهارت بیشتری پیدا خواهد کرد و بدین ترتیب جایگاه نهایی و فلسفه وجودی خود را خواهد یافت. ایجاد و توسعه سیستم‌های جدید در زمینه ارائه خدمات پزشکی که داروسازان را به عنوان یک مشاور معرفی می‌کند سبب می‌شود که نقش داروساز به عنوان مشاور بهداشتی برای بیمار و مشاور دارویی برای پزشک بیش از پیش آشکار گردد. با گذشت دهه ۱۹۹۰ و ورود به قرن ۲۱ بی‌شک تغییرات زیادی در سیستم‌های ارائه خدمات بهداشتی بوجود خواهد آمد که نسبت به سالهای گذشته بسیار چشمگیر خواهند بود. به نظر متخصصین امر باید از داروسازان خواست که از طرق قانونی و یا از طریق اعمال سیاستهای نظارتی، وظیفه مهم خود را نسبت به اجتماع انجام دهند. به عنوان مثال از سال ۱۹۸۳، در ۲۲ ایالت آمریکا از داروسازان درخواست شده است که با بیماران و پزشک مشاور، نمودار و رسمیه‌های مشاوره ارائه نمایند. بدنبال این اقدامات در سال ۱۹۸۰ در زمینه مشاوره داروساز با بیمار و پزشک در آمریکا قانونی به تصویب رسید و منتشر گردید که اجرای آن نیز از ابتدای سال ۱۹۹۳ الزامی می‌باشد.

مأخذ:

Ron Lambson, What is the Rph's role in therapeutic outcomes? Wellcome Trend in Pharmacy. 14(2), 1992.